

بررسی آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی بر امنیت غذایی (مطالعه موردی: دهستان میان‌دربند شهرستان کرمانشاه)

فریبا جهان رمضان - کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه رازی کرمانشاه
کیومرث زرافشانی* - دانشیار دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه
فرحناز رستمی - استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۱۹

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۳/۱۳

چکیده

کشاورزی یکی از عوامل مؤثر و انکارناپذیر در امنیت غذایی است. توسعه کشاورزی در قالب اجرای طرح‌های افزایش بهره‌برداری از منابع آب و خاک، یکی از سیاست‌های مهم دولت در بخش کشاورزی است. پروژه سد گاوشان در منطقه میان‌دربند شهرستان کرمانشاه، از جمله این طرح‌هاست که یکی از اهداف آن، تأمین آب مورد نیاز اراضی کشاورزان و بهبود بخشیدن به معیشت خانوار روستایی است. از این رو، هدف مطالعه کیفی حاضر، سنجش و بررسی آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی منطقه میان‌دربند بر امنیت غذایی ساکنان آن است. طرح تحقیق، مطالعه چندموردی و از نوع مقایسه قبل و بعد از پروژه است. داده‌ها نیز از طریق رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی و با استفاده از تکنیک‌هایی مانند نقشه‌های اجتماعی، نقشه‌های منابع و همچنین تقویم فصلی جمع‌آوری شده است. واحد سنجش در این مطالعه، پنج روستای جلوگیره سفلی، صفی‌آباد، سراب شله، خوشینان سفلی (ده کور) و کلاه کبود وسطی از دهستان میان‌دربند است. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای ارتباطی تجزیه و تحلیل شدند. به منظور مشخص کردن شرایط علی حاکم بر این پروژه، از روش نقشه‌های ذهنی بهره گرفته شد. مطابق نتایج، این پروژه بر امنیت غذایی بهره‌برداران تأثیر گذاشته است. همچنین این مطالعه، دستاوردهایی برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان مدیریت منابع آب به همراه دارد. علاوه بر این می‌توان آن را مبنایی برای سنجش ریسک در پروژه‌های آبی در نظر گرفت.

واژه‌های کلیدی: ارزیابی مشارکتی روستایی، امنیت غذایی، پروژه مدیریت آب، تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی.

مقدمه

از آنجاکه کشورهای آسیایی به‌ویژه خاورمیانه و از جمله ایران، محدودیت آب و خاک دارند و پرجمعیت‌اند، به‌منظور بهبود امنیت غذایی و دستیابی به استانداردهای بالای زندگی، اجرای طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در آن‌ها، امری حیاتی محسوب می‌شود. کوچکی و پراکندگی اراضی کشاورزی در بیشتر کشورهای آسیایی، به‌طور معمول جوابگوی میزان تقاضای مواد غذایی جمعیت روبه‌رشد این کشورها نیست. نتایج بعضی مطالعات در روستاهای ایران نشان می‌دهد واحدهای بین یک تا دو هکتار، به‌طور میانگین در ۵۰ قطعه توزیع شده‌اند و این مسئله موجب کاهش تولیدات کشاورزی و درنهایت، کاهش سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان شده است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲)؛ بنابراین، اهمیت طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در بخش کشاورزی، بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. کمبود منابع طبیعی از جمله آب و خاک و همچنین وابستگی بخش کشاورزی به این دو منبع گرانبها، ضرورت توجه برنامه‌ریزان را به حفاظت از این دو عنصر حیاتی نشان می‌دهد. ایران از جمله کشورهایی است که با چالش‌های مختلفی مانند رشد سریع جمعیت، محدودیت دسترسی به منابع آب و پراکندگی بیش‌ازحد اراضی در مناطق روستایی مواجه است. امروزه استفاده بهینه از منابع آب و خاک، امری راهبردی محسوب می‌شود. به همین دلیل، اجرای طرح‌های توسعه منابع آب و بهره‌برداری بهینه از زمین‌های کشاورزی برای تأمین غذای مورد نیاز جمعیت، ضرورتی فراگیر و انکارناپذیر است. امنیت غذایی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های سلامت در جامعه، خانوار و فرد مطرح است. برای دستیابی به امنیت غذایی، به‌طور معمول انجام‌دادن سه اقدام ضروری است: تأمین غذای کافی و عرضه محصولات غذایی، ایجاد پایداری در عرضه غذا و دسترسی به غذا در سطح خانوار به‌ویژه فقرا (کاشی و حیدری، ۱۳۸۳؛ دینی ترکمانی، ۱۳۸۳). براساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد، تعداد افراد گرسنه در سال ۲۰۰۹ به ۱۰۵ میلیون نفر رسیده است و حدود دو میلیارد نفر از مردم جهان دچار سوء‌تغذیه‌اند؛ یعنی تقریباً یک‌ششم مردم از گرسنگی رنج می‌برند (رانه و سونیو، ۲۰۱۱). گرسنگی و ناامنی غذایی، به‌عنوان یک مشکل مهم جهانی شناخته شده است و اولین گام به‌منظور کاهش ناامنی غذایی و بهبود امنیت غذایی، اجرای برنامه‌هایی مانند بهبود بهره‌وری کشاورزی به‌وسیله طرح‌های توسعه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین طرح‌های کاربردی که در این زمینه اجرا شده، طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی است. این طرح، با هدف استفاده بهینه از منابع آب، خاک و نهاده‌ها و درنهایت، توسعه کشاورزی تدوین شده است. با وجود این اهمیت، پژوهش‌های اندکی به بررسی آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی از بعد امنیت غذایی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که انجام‌دادن این مطالعات، در شناسایی ضعف‌ها و مشکلات موجود طرح به مجریان و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا از تکرار اشتباهات پرهزینه در طرح‌های آتی جلوگیری شود و زمینه موفقیت و اثربخشی بیشتر این طرح‌ها فراهم آید. با توجه به مسائل فوق، پژوهش کیفی حاضر، در همین راستا و با هدف کلی بررسی آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی از بعد امنیت غذایی در منطقه مورد نظر انجام شده است.

مبانی نظری

یکی از موانع توسعه روستایی، پراکندگی اراضی کشاورزی است. پراکندگی اراضی به‌معنای وجود قطعات کوچک و اغلب دور از هم است که این مسئله، بهره‌برداری بهینه از آب و خاک را با مشکل مواجه ساخته است (ترانکا، ۲۰۰۲)؛ برای مثال، در ترکیه روستایی با ۲۰۰ هکتار زمین کشاورزی، دارای ۶۰ مالک و در ۷۰۰ قطعه پراکنده است و تولیدات کشاورزی آن به‌دلیل پراکندگی زیاد قطعات، معیشتی و ناچیز است (گان، ۲۰۰۳). سالاکو و دیگران (۲۰۱۰) معتقدند که پراکندگی اراضی به‌طور کلی، مانع دستیابی به توسعه روستایی است. در مطالعه‌ای در بلغارستان، پراکندگی اراضی، علت اصلی به‌کارنگرفتن

روش‌های جدید در کشاورزی و کاهش کارایی عوامل تولید گزارش شد (تودوروا و لاکوا، ۲۰۰۵). بر همین اساس، طرح‌های تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی، برای برطرف کردن معایب فوق به مرحله اجرا درآمد. سازمان خواربار جهانی (FAO) طرح یکپارچه‌سازی اراضی را از جمله مهم‌ترین اقدامات خود در برنامه‌های توسعه روستایی می‌داند (دمتریو و دیگران، ۲۰۱۰). بر اساس دیدگاه ورمن و دیگران (۲۰۰۲)، یکپارچه‌سازی اراضی، فرایندی از برنامه‌ریزی روستایی است که به افزایش تولید، رفاه اجتماعی و امنیت غذایی مناطق روستایی کمک می‌کند. مطابق تعریف سازمان بین‌المللی خواربار جهانی، هدف نهایی امنیت غذایی در جهان باید تأمین غذا برای همه مردم در تمامی اوقات باشد تا هم دسترسی فیزیکی و هم دسترسی اقتصادی به غذای مورد نیاز وجود داشته باشد (نولپا و دیگران، ۲۰۰۸). به عقیده گیمنز و پیبودی (۲۰۰۸) و رنزاو و ملور (۲۰۱۰)، امنیت غذایی شامل سه بعد است: ۱. در دسترس بودن مواد غذایی^۱ در سطح ملی و منطقه‌ای (رفاه خانوارها و مصرف مواد غذایی)، ۲. دسترسی به مواد غذایی^۲ در سطح خانوار (دسترسی فیزیکی: بازار و منابع مالی، و دسترسی اقتصادی: قدرت خرید) و ۳. استفاده از مواد غذایی^۳ در سطح فرد (شرایط محیطی و خدمات بهداشتی، کمیت و کیفیت مواد غذایی و انرژی دریافتی در بهبود غذا). شریار (۲۰۰۲) و میسلهوم و دیگران (۲۰۱۲)، دسترسی مردم به غذای کافی از طریق درآمد و قیمت مناسب مواد غذایی را نشانه امنیت غذایی می‌دانند. دستیابی به امنیت غذایی پایدار، مستلزم بهره‌برداری اصولی و احیای منابع آب و خاک است (کیمیگر و دیگران، ۱۳۸۳؛ خضری، ۱۳۸۴). آب و خاک منابعی هستند که استفاده غیراصولی از آنها، ناامنی غذایی را به دنبال دارد (ریورا و کومار، ۲۰۰۳). ناامنی غذایی عبارت است از دسترسی نداشتن به مواد غذایی و سوءتغذیه (سوتیمر و دیگران، ۱۹۹۹). عوامل ناامنی غذایی از دیدگاه میسلهوم (۲۰۱۲) شامل دسترسی ضعیف به بازار مواد غذایی، زیرساخت‌های ضعیف، ناکافی بودن نهادهای کشاورزی، نبود مالکیت زمین، نبود دارایی و کمبود تولید مواد غذایی است. همچنین رامش و دیگران (۱۳۸۸) و پیاب و دیگران (۱۳۹۱)، ناکافی بودن غذا و محدود بودن مواد غذایی در دسترس را عامل ناامنی غذایی می‌دانند. بر اساس نظر محققان مختلف از جمله بیگل و دیگران (۲۰۰۰)، دیلی و بودرو (۲۰۰۱)، هادلی و دیگران (۲۰۱۱) و هارگان (۲۰۰۸)، ناامنی غذایی ناشی از گرسنگی و سوءتغذیه، مصرف ناکافی مواد غذایی، کاهش وعده‌های غذایی و محدودیت منابع مالی است. محققانی مانند هادلی و دیگران (۲۰۰۸)، دین و شارکی (۲۰۱۱) و تیرادو و دیگران (۲۰۱۰)، راه‌حل کاهش ناامنی غذایی را توسعه طرح‌هایی برای بهبود محصولات کشاورزی به‌منظور دستیابی مردم به مواد غذایی و افزایش درآمد کافی می‌دانند.

با توجه به اهمیت امنیت غذایی و آثار منفی ناامنی غذایی، پژوهش در زمینه پیامدها و آثار اجرای طرح‌های توسعه روستایی از جمله طرح تجهیز و نوسازی اراضی ضروری است. پژوهش‌های محدودی در مورد اثر طرح‌های تجهیز و نوسازی اراضی بر امنیت غذایی انجام گرفته است. لرمن و کلیمپویس (۲۰۰۶) در مولداوی به این نتیجه رسیدند که طرح‌های تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی، موجب دسترسی خانوار به درآمد بیشتر و در نتیجه، قدرت بیشتر در خرید مواد غذایی می‌شود. پژوهش آندرسون (۲۰۰۶) در استرالیا نشان داد طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی، از طریق تولیدات محلی با قیمت مناسب، بهبود جاده دسترسی برای بازار مواد غذایی و تضمین امنیت غذایی، به تداوم تأمین مواد غذایی برای جمعیت روبه‌رشد منجر می‌شود. سوترلند و دیگران (۱۹۹۹) به این نتیجه رسیدند که پروژه‌های بهبود منابع آب و خاک، مانند تجهیز و نوسازی اراضی، در افزایش تولید محصولات غذایی و کشت محصولات جدید مؤثرند. همچنین آمد و لوریکا (۲۰۰۲) دریافتند که چنین طرح‌هایی برای امنیت غذایی و رفاه خانوار اهمیت دارد؛ زیرا با افزایش درآمد خانوار، قدرت خرید مواد غذایی و در نتیجه امنیت غذایی افزایش می‌یابد. گلاوین و دیگران (۲۰۰۱) نشان دادند در آفریقای جنوبی، برنامه‌های

توسعه محصولات کشاورزی، برای بهبود بازده تولیدات، دسترسی به مواد غذایی و کافی بودن خرید مواد غذایی، از طریق افزایش درآمد به خصوص گسترش کشت ذرت مؤثر است. محققانی مانند ولف و فرونگیل (۲۰۰۱)، با بهره‌گیری از روش ارزیابی مشارکتی نشان دادند که این طرح‌ها سبب تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و استفاده بیشتر از منابع غذایی محلی می‌شود. کروگر و دیگران (۲۰۰۷) به این نتیجه رسیدند که در سریلانکا، استفاده از طرح‌های توسعه روستایی مانند طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی، با بازسازی زیرساخت‌های روستا از طریق سیستم‌های آبیاری و ایجاد شرایط بهتر تولید موجب امنیت غذایی می‌شود. مطالعه اوینگ و مسانگی (۲۰۰۹) نیز نشان داد که طرح‌های تجهیز و نوسازی کشاورزی، از طریق تولیدات مواد غذایی، ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی و افزایش سطح درآمد، سبب بهبود قدرت خرید مواد غذایی و در نتیجه، افزایش امنیت غذایی می‌شود. مطالعات محققان دیگر نیز نشان داد طرح‌های تجهیز و نوسازی اراضی، یکی از ارکان اساسی برای دسترسی به مواد غذایی و امنیت غذایی به‌شمار می‌رود (روسین، ۲۰۱۲؛ هوکو و هرتل، ۲۰۰۵؛ کرومول و کیه‌گومب، ۲۰۰۵). شهباز خان و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی در چین دریافتند که اصلاحات در کشاورزی، از طریق اصلاح زیرساخت‌ها، سیستم‌های آبیاری و زهکشی، به افزایش تولید و درآمد خانوارها منجر می‌شود و در نهایت، افزایش امنیت غذایی را در پی دارد. بورلاگ (۲۰۰۹) مزایای افزایش تولیدات کشاورزی را در افزایش درآمد و بهبود تغذیه توضیح می‌دهد. به عقیده وی، این افزایش درآمد را می‌توان برای هزینه‌های بیشتر مواد غذایی مصرف کرد. سدارا و دیگران (۲۰۰۲) در کامبوج و اوکولو (۲۰۰۶) در نیجریه نشان دادند استفاده صحیح و سودآور از اراضی کشاورزی و دسترسی مناسب به مواد غذایی، سبب بهبود امنیت غذایی در خانوارها می‌شود. چر و دیگران (۲۰۱۱) بهبود مدیریت خاک و ایجاد محیطی امن برای کشاورزی را در کاهش ناامنی غذایی مؤثر دانستند. رنزاو و ملور (۲۰۱۰) نشان دادند که طرح‌های تجهیز و نوسازی اراضی، از طریق دسترسی به جاده‌ها، منابع آب، درآمد و بازار، به دسترسی فیزیکی به مواد غذایی منجر می‌شود. پژوهش اوسو و دیگران (۲۰۱۱) در غنا نشان داد که شرایط نامطلوب در دسترسی به بازار، سطح امنیت غذایی خانوارها را کاهش می‌دهد. همچنین موسیو (۲۰۰۵) با واکاوی تأثیر دسترسی بازار بر امنیت غذایی به این نتیجه رسید که شاخص‌های دسترسی مانند نزدیکی به بازار و بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای برای حمل‌ونقل، سبب تسهیل دسترسی به بازار و افزایش امنیت غذایی می‌شود. به‌طور کلی، بیشتر محققان بر این نکته اذعان دارند که طرح‌های توسعه کشاورزی از جمله طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی، در بهبود امنیت غذایی مناطق روستاها مؤثرند.

روش پژوهش

این مطالعه مبتنی بر پارادایم کیفی است که با دیدگاه ساختارگرایان^۱ همسویی دارد. در این دیدگاه، دانش تابعی از تجارب پژوهشگر و مخاطبان است (کوهن و دیگران، ۲۰۰۰؛ سیلورمن، ۲۰۰۴؛ کاتلی و دیگران، ۲۰۰۲). با توجه به ماهیت و موضوع پژوهش، از روش چندموردی^۲ (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱) و مقایسه قبل و بعد از پروژه استفاده شد. واحد مورد مطالعه، منطقه میان‌در بند در شهرستان کرمانشاه است. با توجه به تقسیم‌بندی مجریان طرح، از میان مناطق نه‌گانه که طرح در آن به اجرا گذاشته شده بود، واحدهای عمرانی D3 و D4 انتخاب شدند. پس از شناسایی روستاهای تحت پوشش، پنج روستا به‌صورت هدفمند از واحد عمرانی D4 (روستاهای جلوگیری سفلی، سراب شله، خوشینان سفلی (ده کور) و کلاه کبود وسطی)، و از واحد D3، روستای صفی‌آباد انتخاب شد. با توجه به تعداد محدود بهره‌برداران این روستاها تصمیم گرفته شد که از هر روستای تحت پوشش طرح، هشت نفر از بهره‌برداران به‌صورت هدفمند انتخاب شوند که

1. Constructivistic view
2. Multi Case Study
3. Marshal and Rassman

در مجموع، چهل بهره‌بردار در این مطالعه شرکت کردند. یکی از معیارهای انتخاب این روستاها تحت پوشش طرح بودن و سابقه کشت دیم پیش از اجرای طرح و کشت آبی پس از اجرای آن بود. معیار انتخاب بهره‌برداران برای مصاحبه نیز سابقه کشت دیم پیش از اجرای طرح و کشت آبی پس از آن بود. در ادامه، روش‌های جمع‌آوری داده‌ها معرفی می‌شوند.

ارزیابی مشارکتی روستایی: ارزیابی مشارکتی روستایی، مجموعه‌ای از رهیافت‌ها و روش‌هایی است که روستاییان را قادر می‌سازد تا درک بهتری از واقعیت‌های زندگی و مسائل و مشکلات داشته باشند. همچنین آن‌ها را به مشارکت فعال در گروه‌های مختلف و همکاری در پروژه‌ها ترغیب می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۶). در این پژوهش در سه روستای کلاه کبود وسطی، خوشینان سفلی و جلوگیره سفلی، از روش ارزیابی مشارکتی روستایی بهره گرفته شد.

ترسیم نقشه اجتماعی، نقشه منابع و تقویم فصلی غذایی: ترسیم نقشه اجتماعی و منابع، اغلب به منظور گردآوری و نمایش اطلاعاتی درباره توزیع منابع و امکانات روستایی مانند منابع آبی، جاده‌ها، مزارع، نحوه قرار گرفتن منازل، مدرسه، مکان‌های عمومی و گروه‌های قومی و اجتماعی مختلف سودمند است (شعبانعلی فمی و دیگران، ۱۳۸۴). تقویم فصلی غذایی نیز به مهیا بودن غذا در فصول یا ماه‌های مختلف می‌پردازد. در این روش، روستاییان نوع و میزان مواد غذایی در هر فصل یا ماه را به شکل مقایسه‌ای، با استفاده از نشانه‌هایی در یک نمودار ترسیم می‌کنند (همان). در این پژوهش، تکنیک تقویم غذایی به منظور سنجش امنیت غذایی، از بعد دسترسی فیزیکی و اقتصادی و همچنین تغییر در الگوهای مصرف مواد غذایی قبل و بعد از طرح استفاده شد.

مصاحبه براساس مدل سیدمن: این مصاحبه که اولین بار سیدمن^۱ (۱۹۹۱) از آن بهره گرفت، شامل سه مرحله است. مرحله اول تمرکز بر تاریخچه زندگی^۲ بهره‌برداران پروژه است که در مورد گذشته خود در زمینه موضوع پژوهش اظهار نظر می‌کنند. مرحله دوم، کشف تجربه‌های^۳ افراد پس از اجرای پروژه است و افراد تجربه‌هایی را که پس از اجرای طرح به دست آورده‌اند، مطرح می‌کنند. مرحله سوم درک افراد از طرح مورد نظر^۴ را نشان می‌دهد (کونکس و آرکارد، ۲۰۰۹؛ کومیوس و دیگران، ۲۰۰۵). در این مطالعه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند زنجیره‌ای^۵، از هر روستا هشت نفر و در مجموع، چهل بهره‌بردار از پنج روستای مورد مطالعه انتخاب شدند. شرایط انتخاب آنان بدین صورت بود که می‌بایست پیش از اجرای طرح، دیم‌کار و پس از اجرای طرح، آبی‌کار بودند. در مرحله اول مصاحبه از آنان خواسته شد که گذشته خود را به یاد آورند و در مورد امنیت غذایی پیش از اجرای طرح صحبت کنند. در مرحله دوم، از تجاربی که در طرح نوسازی اراضی به دست آورده‌اند، بحث کنند. سپس در مرحله آخر، قالب ذهنی آنان از طرح واکاوی شد. این مصاحبه بیش از سه ساعت به طول انجامید.

بحث گروه متمرکز: این روش، برای شناخت دیدگاه افراد درباره یک موضوع خاص در فضایی کاملاً صمیمانه بسیار مناسب است (اونگبوزی و دیگران، ۲۰۰۹؛ هیسکانن و دیگران، ۲۰۰۸). تعداد شرکت‌کنندگان در این مصاحبه بین ۵ تا ۱۲ نفر است. در این مطالعه، از سه جلسه گروه متمرکز در روستاهای مورد نظر استفاده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آن‌ها از تکنیک تحلیل محتوا- که بنا بر نظر آنفارا و دیگران (۲۰۰۲) ریشه در روش تحلیل استقرایی دارد- و روش تحلیل محتوای ارتباطی (ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸۹) بهره گرفته شد. نمایش بین مفاهیم و مقوله‌ها نیز با استفاده از نقشه ذهنی^۶ به‌عنوان تکنیکی گرافیکی برای نشان دادن روابط بین مفاهیم و مقوله‌ها جهت شناسایی آثار و پیامدهای طرح صورت گرفت (کروگر و دیگران، ۲۰۰۷؛ میره، ۲۰۰۷؛ زامپتاکیس و دیگران، ۲۰۰۶).

1. Seidman
2. Life history
3. Detailed exploration of the experience
4. Reflection on the meaning
5. Chain
6. Mind Map

بحث و یافته‌ها

نتایج تقویم فصلی در روستای کلاه کبود وسطی نشان می‌دهد پیش از اجرای طرح، خانوارها به دلیل داشتن دام و درآمد حاصل از فروش آن و استفاده از شیر و مواد لبنی، مواد غذایی خود را تأمین می‌کردند، اما پس از اجرای طرح، به دلیل آبی شدن اراضی و کشت محصولاتی مانند ذرت و فعالیت بیشتر در مزرعه، اقدام به فروش دام‌های خود کردند؛ چراکه بهره‌برداران وقت کافی برای نگهداری از دام‌هایشان را نداشتند. در این زمینه، یکی از بهره‌برداران اظهار داشت: «قبلاً که زمینمان دیم بود، گوسفند بیشتری داشتیم و راحت‌تر از اون‌ها نگهداری می‌کردیم. درآمدمان هم مستمر بود؛ ولی بعد که زمین‌هامان آبی شد، کارمان بیشتر شد. مجبور شدیم دام‌هامان را بفروشیم.» همچنین مطابق نتایج، پس از اجرای طرح، درآمد برای خرید مواد غذایی افزایش یافت و دغدغه خانوارها برای تأمین مواد غذایی کاهش پیدا کرد. بنا به اظهارات بهره‌برداران، سطح اراضی پس از اجرای طرح افزایش یافت و کشت محصولات آبی نیز که عملکرد بالاتری دارند، بیشتر شد: «قبلاً زمین‌های منطقه تکه‌تکه بود. الان یکدست و هموار شدند. جوی و پشته‌ها برداشته شدند و زمین‌ها فراخ و وسیع شدند. آب هم به اندازه کافی هست. امسال به جای ذرت دیم، ذرت آبی کاشتیم و کلی هم بیشتر برداشت کردیم.» جالب آنکه پس از اجرای طرح، وضعیت دسترسی به بازار برای خرید مواد غذایی تغییری نکرده است؛ برای مثال، استفاده از مواد پروتئینی و گوشت در بهار و پاییز افزایش یافت و در تابستان و زمستان کاهش پیدا کرد و در تابستان نیز به دلیل کشت محصولاتی مانند گوجه، بادمجان، هندوانه و... کمتر شد. از طرفی مصرف میوه و سبزیجات پیش از اجرای طرح در تمام فصول اندک بود، اما پس از اجرای طرح، مصرف آن‌ها به خصوص در تابستان افزایش یافت. تنوع اندک میوه و سبزیجات در روستا و کمبود بازار موجب شده است که مصرف و دسترسی به میوه و سبزیجات به طور کلی اندک باشد. همچنین استفاده از غذاهای محلی، به دلیل افزایش درآمد در بهار و پاییز و زمستان کمتر شد، اما در تابستان به خاطر کشت صیفی‌جات افزایش یافت. در این زمینه، یکی از کشاورزان صیفی‌کار کلاه کبود اظهار داشت: «از وقتی مزارعمان آبی شده، می‌توانیم محصولات مختلفی مثل صیفی‌جات بکاریم که بیشتر برای مصرف خودمان است و غذاهایی که خانم‌ها با این محصولات درست می‌کنند، بیشتر شده.»

بهار	تابستان	پاییز	زمستان
**	*	***	***
#	###	####	##
***	***	**	**
###	###	##	#
**	***	**	***
#	###	####	#
*****	**	**	***
###	##	#	##
**	**	**	***
###	###	###	##
***	*	**	****
##	###	#	####

نگاره ۱. تقویم فصلی مواد غذایی در روستای کلاه کبود وسطی قبل و بعد از طرح تجهیز، نوسازی

و یکپارچه‌سازی اراضی دهستان میان‌دربند

* قبل از نوسازی و یکپارچه‌سازی مزارع

بعد از نوسازی و یکپارچه‌سازی مزارع

نگاره ۲ براساس تقویم فصلی غذایی در روستای جلوگیری سفلی نشان می‌دهد میزان مصرف مواد گوشتی در بهار و تابستان پس از اجرای طرح به دلیل افزایش عملکرد محصولات بیشتر شده است. این درحالی است که در زمستان،

به‌دلیل خرید نهاده‌ها و کمبود منابع مالی کاهش یافت. از سوی دیگر، مصرف سبزیجات و میوه‌ها در کل چهار فصل در مقایسه با قبل بیشتر شد. البته مصرف میوه و سبزیجات به‌طور کلی اندک است. به عقیده یکی از بهره‌برداران جلوگیری سفلی، «دسترسی به بازار خرید آن‌ها در روستا کم است.» همچنین مصرف غذاهای محلی در بهار و زمستان کمتر و در پاییز بدون تغییر بود. این درحالی است که در تابستان، به‌دلیل کشت محصولاتمانند گوجه، هندوانه و... بیشتر شد. نکته جالب این است که پس از اجرای طرح، میزان درآمدی که خانوارها صرف خرید مواد غذایی می‌کنند، در بهار و پاییز بیشتر از قبل شد، اما در تابستان به‌دلیل استفاده از صیفی‌جات که معمولاً به‌صورت خودمصرفی است، کمتر از قبل است. از سوی دیگر، دغدغه تأمین مواد غذایی، به‌دلیل رفت‌وآمد مهمانان شهری در بهار، در همه فصول دیگر کمتر از قبل شد. مصرف مواد غذایی و خوراک‌های پرهزینه و تنقلات در پاییز به‌دلیل فروش محصولات و بهبود درآمد افزایش یافت، اما در سه فصل دیگر تغییر چندانی نکرد؛ زیرا ساکنان این روستا اغلب پیش از اجرای طرح، آبی کار بودند. یکی از کشاورزان که پیش از طرح نیز اراضی آبی داشت در این زمینه می‌گفت: «برای ما که از قبل زمین‌هایمان آبی بوده، از لحاظ درآمد کمی بهتر شده؛ چون هزینه‌های آبیاری مان کمتر شده و ما این درآمد اضافی را صرف خرید غذاهای بهتر و تنقلاتی مثل پسته و بادام برای بچه‌هایمان می‌کنیم.» از لحاظ حجم، خرید مواد غذایی در این روستا به‌دلیل بهبود درآمد در پاییز و زمستان افزایش یافته است. این درحالی است که در تابستان، به‌دلیل استفاده از محصولات خودمصرفی کمتر شده است.

بهار	تابستان	پاییز	زمستان
*** ###	** ###	***** ###	*** ###
*** ###	*** ###	*** ###	** ###
*** ##	*** ###	*** ###	*** ###
* #	*** ###	*** #	* #
*** ###	*** ##	*** ###	*** ##
*** ###	*** ##	*** ##	*** ###
*** ###	*** ##	*** ###	*** ###
*** ###	*** ##	*** ###	*** ###

نگاره ۲. تقویم فصلی غذایی در روستای جلوگیری سفلی قبل و بعد از طرح

*قبل از نوسازی و یکپارچه‌سازی مزارع

بعد از نوسازی و یکپارچه‌سازی مزارع

در روستای ده کور وضعیت قبل و بعد از یکپارچه‌سازی اراضی، به روش مصاحبه گروه متمرکز اجرا شد. تحلیل محتوا نشان داد درآمد کشاورزان و قدرت آنان برای خرید مواد غذایی افزایش یافته است. در مجموع، بعد از اجرای طرح نوسازی اراضی میان‌دری، وضعیت دسترسی به مواد غذایی متنوع و پرهزینه و درنهایت، امنیت غذایی افزایش یافت. همچنین مصرف الگوهای مواد غذایی تغییر کرد؛ برای مثال، مصرف مواد غذایی محلی، با کاهش دام و کشت صیفی‌جات تغییر یافت.

جدول ۱. آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی دهستان میان‌دریوند بر امنیت غذایی

موارد	آثار	گزینه‌ها	قبل از طرح	بعد از طرح
امنیت غذایی	دسترسی فیزیکی	دسترسی به بازار مواد غذایی متنوع	کم و محدود به دلیل پایین بودن سطح درآمد و نبود بازار مواد غذایی متنوع	تغییری نکرد به دلیل افزایش سطح درآمد بیشتر شد، اما از لحاظ بازار مواد غذایی متنوع تغییری نکرد
	دسترسی اقتصادی	دسترسی به منابع مالی	به‌طور کلی کمتر بود	به دلیل کاهش هزینه‌های تولید، بود بیشتر شد
امنیت غذایی	دسترسی اقتصادی	قدرت خرید مواد غذایی حجم خرید آذوقه دغدغه تأمین مواد غذایی	کمتر بود	بیشتر شد
		هزینه‌های صرف شده برای مواد غذایی	بیشتر بود	به‌طور کلی کمتر شد
امنیت غذایی	الگوی مصرف مواد غذایی	مصرف میوه و سبزیجات مصرف غذاهای پرهزینه مصرف غذاهای محلی	به دلیل دسترسی اندک به بازار خرید میوه و سبزیجات کم بود	به دلیل کاشت محصولات آبی در تابستان مانند صیفی‌جات، تا حدی بیشتر شد
		مصرف غذاهای محلی	کمتر بود	با افزایش توقعات بیشتر شد
			از لحاظ مصرف مواد لبنی و گوشت دام بیشتر و از لحاظ مصرف صیفی‌جات محلی کمتر بود	مصرف لبنیات و گوشت دام محلی کمتر شد، اما مصرف صیفی‌جات محلی افزایش یافت

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۱

نتایج تحلیل محتوای مصاحبه مدل سیدمن و مصاحبه گروه متمرکز

۱. کاهش دغدغه تأمین مواد غذایی

درواقع، با اجرای این طرح، بسیاری از مشکلات تأمین مواد غذایی بین خانوارهای جامعه مورد مطالعه کاهش یافت؛ زیرا با افزایش سطح درآمد، خانوارها دغدغه کمتری برای تهیه مایحتاج خود دارند و می‌توانند مواد غذایی بیشتری بخرند. در این راستا، یکی از بهره‌برداران روستای جلوگیره سفلی اظهار کرد: «قبلا که زمینمان دیم بود، درآمد کمتری نسبت به الان که زمینمان آبی شده داشتیم. کمتر می‌توانستیم شکم زن و بچه‌ها را سیر کنیم. الان خدا را شکر وضعمان بهتر شده. دیگه فکرمان کمتر مشغول تهیه غذاست.»

۲. افزایش حجم خرید مواد غذایی

با افزایش ارزش زمین‌ها و سطح درآمد، شرکت‌کنندگان تأکید کردند که حجم خرید آذوقه بیشتر شده است. یکی از شرکت‌کنندگان که پیش‌تر زمین دیم داشت، اظهار کرد: «ما قبلا فقط برای تأمین مایحتاج روزانه و در سطح کم خرید می‌کردیم، ولی وقتی زمینمان آبی شد و ذرت آبی کاشتیم، درآمدمان بیشتر شد. حالا آذوقه‌ای که می‌خریم خیلی از قبل بیشتر است؛ مثلا خانواده‌ای که قبلا برای یک ماه یک کیسه برنج می‌خرید، درحال حاضر دو کیسه می‌خرد.» یکی دیگر از بهره‌برداران گفت: «الان خدا را شکر خورد و خوراکمان بیشتر شده و می‌توانیم بیشتر خرید کنیم.»

۳. دسترسی به مواد غذایی متنوع

هنگامی که درآمد کافی در اختیار سرپرست خانوار باشد، راحت‌تر می‌تواند مواد غذایی خانواده را فراهم کند. در نتیجه، دسترسی اعضای خانواده به مواد غذایی بیشتر می‌شود. در این راستا یکی از کشاورزان گفت: «حق انتخاب برای استفاده از انواع متنوع مواد غذایی برامان بیشتر شده. چون درآمدمان بهتر شده، دسترسی‌مان به غذاهای متنوع بیشتر شده.» البته بیشتر بهره‌برداران به این نکته اشاره کردند که تنوع بازار مواد غذایی در سطح روستا هیچ تغییری نکرده است. یکی از

بهره‌برداران در این زمینه گفت: «هنوز ما تو روستامان بازاری برای مواد غذایی نداریم و مجبوریم برای تهیه مواد غذایی همچنان به کرمانشاه بریم که رفت‌وآمد برامان سخته و اگر ماشین نداشته باشی، خرجت برای رفت‌وآمد و تهیه مواد غذایی مورد احتیاج خیلی زیاد می‌شه.»

۴. استفاده بیشتر از محصولات کشت‌شده به صورت خودمصرفی

یکی از مواردی که بعد از اجرای طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در دهستان میان‌دربند- به‌ویژه برای کشاورزانی که مزارع دیم آن‌ها به آبی تبدیل شده- حائز اهمیت است، کاشت محصولاتی مانند گوجه، بادمجان، خیار و مانند آن است. روستاییان این محصولات را در تابستان معمولاً برای مصرف خود می‌کارند و مازاد آن را می‌فروشند. این کار سبب می‌شود که هم درآمد کسب کنند و هم نیازهای غذایی خانواده خود را تأمین سازند. در این زمینه، یکی از کشاورزان روستای کلاه کبود که بعد از اجرای طرح، صیفی‌جات کاشته بود گفت: «الان که صیفی‌جات می‌کارم، وضعیت خوراکیان بهتر شده؛ چون بیشتر برای مصرف خودمانه. در ضمن با این محصولات، غذاهای محلی متنوعی هم می‌شه درست کرد.»

۵. کاهش مصرف مواد لبنی و گوشت دام

پس از اجرای طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی دهستان میان‌دربند، به‌دلیل اینکه بیشتر کشاورزان دیم‌کار، علاوه بر گندم ذرت آبی کاشته‌اند، فرصت کمتری برای مراقبت از دام‌هایشان دارند. به همین دلیل، بیشتر آن‌ها دام‌هایشان را فروختند. از سوی دیگر، یکی از کشاورزان اظهار داشت: «ساکنان روستا زیاد تمایلی به انجام‌دادن کارهای سخت و پرهزمت ندارند. از طرفی چون اکثر کشاورزان زمین‌های خود را بیشتر کردند، به هردو کار با هم نمی‌رسیدند. به همین دلیل است که دام کمتری در این منطقه وجود دارد. با کم‌شدن دام، مصرف مواد لبنی و گوشت هم کمتر شده.» این اظهارات نشان می‌دهد از لحاظ مصرف مواد لبنی، امنیت غذایی در منطقه تا حدی در معرض خطر قرار گرفته است. نتایج مصاحبه‌ها، با استفاده از تحلیل محتوای ارتباطی در قالب طبقات و زیرطبقات در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

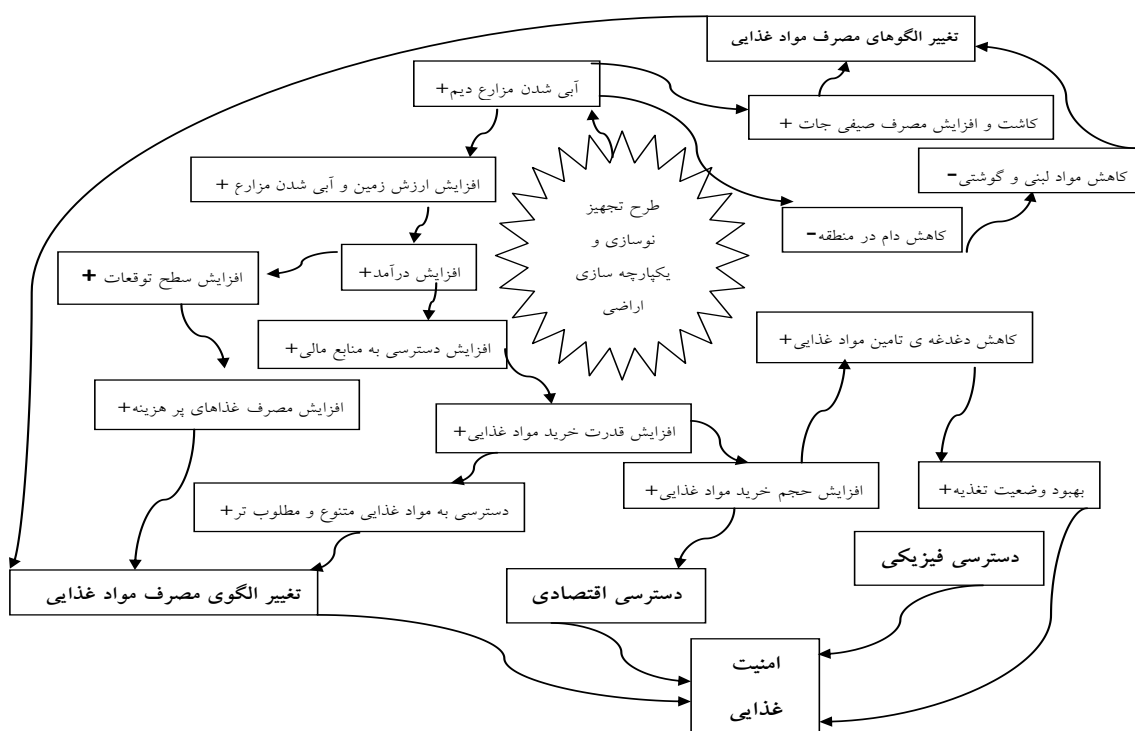
جدول ۲. طبقات و زیرطبقات حاصل از تحلیل محتوای داده‌ها

زیرطبقات	طبقات
بهبود دسترسی به منابع مالی از طریق افزایش درآمد زمین‌ها دسترسی به مواد غذایی متنوع از طریق افزایش درآمد، نه از طریق دسترسی به بازار مواد غذایی متنوع کاهش دغدغه تأمین مواد غذایی	افزایش دسترسی فیزیکی به مواد غذایی
افزایش قدرت خرید مواد غذایی افزایش حجم مواد غذایی افزایش سطح توقع در خانواده‌ها برای خرید غذاهای پرهزینه	افزایش دسترسی از لحاظ اقتصادی به مواد غذایی
تغییر در مصرف مواد غذایی محلی به‌وسیله کاشت صیفی‌جات کاهش مصرف مواد لبنی به‌دلیل کاهش تعداد دام در منطقه افزایش مصرف غذاهای پرهزینه بهبود وضعیت تغذیه‌ای با مصرف غذاهای متنوع‌تر	تغییر در مصرف الگوی مواد غذایی

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۰

درنهایت، نتایج نقشه ذهنی مبنی بر تأثیرهای طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی دهستان میان‌دربند بر امنیت غذایی نشان می‌دهد آبی‌شدن مزارع دیم، موجب افزایش ارزش زمین و افزایش درآمد شده است. این افزایش درآمد، افزایش دسترسی به منابع مالی و در نتیجه افزایش قدرت خرید مواد غذایی را در پی داشته است. همچنین افزایش قدرت خرید، دسترسی به مواد غذایی متنوع را افزایش داده است. افزایش قدرت خرید خانوار نیز به افزایش حجم مواد غذایی منجر شده و

دغدغه تأمین مواد غذایی را کاهش داده است. در نهایت، این عوامل بر بهبود تغذیه خانواده‌های روستایی تأثیر داشته‌اند. افزایش درآمد نیز موجب افزایش سطح توقعات خانوار روستایی شده و به روی آوردن خانوار به مصرف غذاهای پرهزینه منجر شده است. از سوی دیگر، آبی شدن مزارع دیم در منطقه سبب کاشت صیفی جات و کاهش تعداد دام در منطقه شده است. این عوامل به‌طور غیرمستقیم بر امنیت غذایی خانوارها تأثیر منفی داشته‌اند. بدین ترتیب که کاهش دام در منطقه، سبب کاهش مصرف مواد لبنی و گوشتی شده است. از جنبه‌های مثبت این طرح بر امنیت غذایی، کاشت صیفی جات و مصرف بیشتر از آنهاست که در نهایت، تغییر در مصرف الگوهای غذایی محلی را به دنبال داشته است.



نگاره ۳. نقشه ذهنی آثار طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی دهستان میان‌دریوند بر امنیت غذایی

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی در منطقه میان‌دریوند تأثیرهای شایان توجهی بر امنیت غذایی بهره‌برداران در سه حیطة بر جای گذاشته است. از بعد دسترسی فیزیکی به غذا یافته‌ها نشان داد که پس از یکپارچه‌سازی، دسترسی به منابع مالی و مواد غذایی متنوع افزایش پیدا کرده است؛ در حالی که در دسترسی به بازار مواد غذایی تغییر چندانی به‌وجود نیامده است. نکته شایان توجه اینکه با تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی، مصرف مواد غذایی محلی (مواد لبنی و گوشت دام بومی) کاهش یافت، اما مصرف سبزیجات و صیفی‌جاتی مانند گوجه‌فرنگی، بادمجان و مانند این‌ها به‌دلیل آبی شدن مزارع دیمی منطقه افزایش پیدا کرد. در مجموع، در امنیت غذایی، به‌ویژه در بعد دسترسی فیزیکی و اقتصادی در نواحی‌ای که طرح نوسازی اراضی اجرا شد، بهبود چشمگیری به‌وجود آمد. دسترسی بهره‌برداران به منابع مالی در بهبود امنیت غذایی آنان بی‌تأثیر نبوده است. در این زمینه، آندرسون (۲۰۰۶) طرح نوسازی اراضی کشور استرالیا را موجب تضمین امنیت غذایی بهره‌برداران می‌داند. پژوهشگران دیگری نیز به نتایج مشابهی دست یافتند؛ برای مثال، مطالعات سدرا و دیگران (۲۰۰۲) در کامبوج نشان داد استفاده صحیح از منابع آب و خاک سبب دسترسی مناسب به مواد غذایی و بهبود

امنیت غذایی می‌شود. نتایج مطالعات ریورا و کامار (۲۰۰۳)، سالاکو و دیگران (۲۰۱۰) و همین‌طور مطالعات بارو (۲۰۰۵)، ایونگ و مسانگی (۲۰۰۹)، هوکو و هرتل (۲۰۰۵)، گونزالس گارسیا (۲۰۰۷) و نیز روسین (۲۰۱۲)، نتایج این مطالعه را تأیید کرد. از آنجاکه این محققان در سراسر دنیا به نتایج مشابهی رسیدند، می‌توان نتیجه گرفت نوسازی اراضی سبب افزایش عملکرد محصولات کشاورزی و بهبود وضعیت اقتصادی بهره‌برداران می‌شود و به تبع افزایش درآمد، امنیت غذایی بهره‌برداران نیز تأمین می‌شود. درمورد افزایش درآمد بهره‌برداران و تأثیر آن بر امنیت غذایی، یافته‌های احمد و لوریکا (۲۰۰۲)، لرمان و کیمپیس (۲۰۰۶)، بورولوگ (۲۰۰۹)، شهباز خان و دیگران (۲۰۰۹) و نیز مطالعات لوشو و دیگران (۱۹۹۸) شایان توجه است. رابطه افزایش درآمد با بهبود امنیت غذایی غیرقابل انکار است. شاید دلیل آن را بتوان به افزایش سطح توقع خانوارها در تغییر الگوی مصرف مواد غذایی و مصرف غذاهای بهتر و متنوع‌تر نسبت داد. نتایج این مطالعه نشان داد اگرچه طرح تجهیز، نوسازی و یکپارچه‌سازی اراضی در دشت میان‌دریند، تأثیر شایان توجهی بر درآمد روستاییان گذاشته است، کمک چندانی به راه‌اندازی بازارهای محلی یا فروشگاه‌های مواد غذایی نکرده است. به عبارت ساده‌تر، بهره‌برداران همچنان ترجیح می‌دهند که مواد غذایی خود را از خارج از روستا خریداری کنند. می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه طرح‌های عظیم توسعه روستایی نظیر نوسازی اراضی موجب تحولات چشمگیری در زیرساخت‌های فیزیکی روستا می‌شود، همیشه تحولات فکری و فرهنگی مناطق روستایی را دربر نمی‌گیرد. راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک در روستا نظیر فروشگاه مواد غذایی توسط بهره‌برداران را می‌توان امتداد دستاوردهای طرح‌های نوسازی اراضی به‌شمار آورد، اما پرسش اساسی این است که آیا چنین طرح‌هایی موجب تقویت توانمندی‌های بهره‌برداران از بعد کارآفرینی روستایی می‌شود. شاید بتوان چنین گفت که طرح‌های توسعه‌ای، همچنان با الگوی دهه ۶۰ (افزایش تولید) به جلو می‌رود. این درحالی است که نظریه‌پردازان توسعه روستایی در قرن حاضر، طبل توانمندی اقشار مختلف جوامع روستایی را می‌نوازند و بنابراین، انتظار دارند که اجرای چنین طرح‌هایی، به توانمندی ذی‌نفعان آن منجر شود. درنهایت، پیشنهادهایی به شرح زیر به مسئولان این طرح ارائه می‌شود.

مسئولان می‌توانند فناوری‌های نوین کشاورزی از جمله کشت‌های جدید را در منطقه میان‌دریند - که شرایط مساعدتری برای پذیرش نوآوری‌های کشاورزی دارد - معرفی کنند. چنین حرکتی، به لحاظ تنوع در کشت و فعالیت‌های متنوع کشاورزی موجب پویایی اقتصادی منطقه خواهد شد و افزایش درآمد و در نتیجه، افزایش ضریب امنیت غذایی را به دنبال خواهد داشت. از طرفی به منظور کاهش ناامنی غذایی و استفاده کمتر کشاورزان از محصولات دامی و لبنی پیشنهاد می‌شود تا کارشناسان ترویجی در قالب کلاس‌های آموزشی، مضرات استفاده ناکافی از مواد لبنی را گوشزد کنند تا کشاورزان درصدد فروش دام‌های خود نیفتند. همچنین به محققانی که می‌خواهند آثار یا پیامدهای یک طرح را بررسی کنند، پیشنهاد می‌شود تا از مطالعات کیفی، به‌ویژه رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی با مشارکت همه ذی‌نفعان طرح‌ها بهره‌گیرند. تعامل با مردم محلی و نیز استفاده از دانش بومی آنان در ترویج فرهنگ تغذیه محلی و سالم، از جمله برنامه‌های جانبی است که برای تأثیرگذاری بیشتر طرح باید به‌صورت میکروپروژه در کنار پروژه بزرگ طرح اجرا شود. همچنین پرداخت تسهیلاتی برای عملی کردن پیامدهای مؤثر طرح مانند استفاده از کود سبز به‌جای کودهای شیمیایی به‌منظور سالم‌ماندن زمین از آلودگی‌های شیمیایی و تولید محصولات و مواد غذایی سالم، از پیشنهادهای کاربردی و شایان توجهی است که اثرگذاری مثبت طرح را بر تغذیه و امنیت غذایی مردم منطقه تضمین می‌کند.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از کشاورزان و روستاییان عزیز ساکن در روستاهای جلوگیری سفلی، صفی‌آباد، سراب شله، خوشینان سفلی (ده کور) و کلاه‌کبود وسطی دهستان میان‌دریند از شهرستان کرمانشاه به‌دلیل همکاری و مساعدت در تمامی مراحل پژوهش، کمال تشکر را داریم.

منابع

۱. ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش، ۱۳۸۹، روش‌های تحقیق کیفی، نشر علوم پزشکی (بشری)، چاپ اول.
۲. پیاب، مولود، درستی مطلق، احمد رضا، اشراقیان، محمد رضا، سیاسی، فریدون و کریمی، تینا، ۱۳۹۱، رابطه ناامنی غذایی با برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی و تغذیه‌ای در مادران دارای کودک دبستانی شهرستان ری در سال ۱۳۸۹، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، سال هفتم، شماره ۱، صص ۷۵-۸۴.
۳. خضری، محمد، ۱۳۸۴، امنیت غذایی و امنیت ملی، نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
۴. دینی ترکمانی، علی، ۱۳۸۳، برآورد امنیت غذایی در ایران و ارزیابی از نحوه مواجهه رویکردهای نظری رقیب با ناامنی غذایی، مقالات برگزیده نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۴، کشاورزی و امنیت غذایی، موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.
۵. رامش، طاهره، درستی مطلق، احمد رضا و عبداللهی، مرتضی، ۱۳۸۸، شیوع ناامنی غذایی در خانوارهای شهر شیراز و ارتباط برخی عوامل اقتصادی-اجتماعی و جمعیتی با آن در سال ۱۳۸۷، مجله علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران، شماره ۴، صص ۶۴-۵۳.
۶. رکن‌الدین افتخاری، علیرضا، ۱۳۸۲، توسعه کشاورزی (مفاهیم، اصول، روش تحقیق، برنامه‌ریزی) در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، سمت، تهران.
۷. شعبانعلی فمی، حسین، علی بیگی، امیر حسین و شریف زاده، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، چاپ اول، موسسه توسعه روستایی ایران.
۸. کاشی، خداداد و حیدری، خلیل، ۱۳۸۳، بررسی امنیت غذایی خانوارهای ایرانی بر اساس شاخص AHFSI. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۵۵-۱۸۲.
۹. کیمیگر، سید مسعود، باژن، مرجان و صمیمی، بیتا، ۱۳۸۳، بررسی وضعیت عرضه محصولات کشاورزی و تاثیر آن در الگوی مصرف مواد غذایی در ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۶۷-۱۸۲.
۱۰. مارشال، کاترین و راسمن، گرچن، ۱۳۸۱، روش تحقیق کیفی، ترجمه پارساییان، علی و اعرابی، سید محمد. چاپ دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۱. مطلبی، مجتبی، ۱۳۸۶، بررسی موانع موجود در اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی در تعاونی‌های استان همدان از دیدگاه کارشناسان و بهره برداران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
12. Adib Hajbagheri. M, Parvizi. S. and Salsali. M, 2010, **Qualitative Research Methods**, Publication of Medical Sciences (Boshra Press), first edition. (*In Persian*)
13. Ahmed, M., Lorica, M. H., 2002, **Improving Developing Country Food Security through a Quaculture Development Lessons from Asia**, Food Policy, No. 27, PP. 125-141.
14. Anderson, T., 2006, **Food Security and Agriculture in the Australia-East Timor Relationship**, Monash Asia Instiute Press, Melbourne.
15. Anfara, V. A., Brown, K. M. and Mangione, T. L., 2002, **Qualitative Analysis on Stage: Making the Research Process More Public**, American Educational Researcher Association, Sage, PP. 28-38.
16. Barrow, C. J., 2005, **Social Impact Assessment: An Introduction**, Arnold, London.
17. Bickel, G. et al., 2000, **Guide to Measuring Household Food Security**, The US Department of Agriculture (USDA), Washington DC.
18. Borlaug, N., 2009, **Implications of Technological Change, Post-Harvest Technology and Technology Adoption for Improved Food Security Application of Statistics**, Food Security Policy Analysis, PP. 17-37.
19. Catley, A., et al., 2002, **Participatory Analysis of Seasonal Incidences of Diseases of Cattle, Disease Vectors and Rainfall in Southern Sudan**, Preventive Veterinary Medicine, No. 53, PP. 275-284.

20. Cohen, L., Manion, L. and Morrison, K., 2000, **Research Method in Education**, Taylor and Francis Publication, Routledge.
21. Cromwell, E. and Kyegombe, N., 2005, **Food Security Options in Malawi: Good Neighbors Make Good Friends**, Country Food Security Options Paper, No. 2, Forum for Food Security in Southern Africa.
22. Dean, W. R. and Sharkey, J. R., 2011, **Food Insecurity, Social Capital and Perceived Personal Disparity in a Predominantly Rural Region of Texas: An Individual-Level Analysis**, Social Science and Medicine, No. 72, PP. 1454-1462.
23. Demetriou, D., Stillwell, J. and See, L., 2010, **Land Spaces: A Design Module for Land Consolidation: Method and Application**, Working Paper 10, University of Leeds.
24. Dilley, M. and Boudreau, T. E., 2001, **Coming to Terms with Vulnerability: A Critique of the Food Security Definition**, Food Policy, No. 26, PP. 229-247.
25. Dini Torkamani, A., 2004, **Assessment and Evaluation of Food Security in Iran and Method to Face of Competing Theoretical Approaches to Food Insecurity**, Selected papers from the First National Conference on Agriculture and Development, Vol. 4, Agriculture and Food Security, Institute of Planning and Agricultural Economics Research, Tehran. (*In Persian*)
26. Ewing, M. and Msangi, S., 2009, **Biofuels Production in Developing Countries: Assessing Tradeoffs in Welfare and Food Security**, Environmental Science and Policy, No. 12, PP. 520-528.
27. Gimenez, E. H. and Peabody, L., 2008, **Introduction to Food Security: Concepts and Measurement**, Food Security, Poverty, and Nutrition Policy Analysis, PP. 5-15.
28. Gladwin, Ch. H., Thomson, A. M., Peterson, J. S. and Anderson, A. S., 2001, **Addressing Food Security in Africa Via Multiple Livelihood Strategies of Women Farmers**, Food Policy, Vol. 26, PP. 177-207.
29. Gonzalez, X. P., Marey, M. F. and Alvarez, C. J., 2007, **Evaluation of Productive Rural Land Patterns with Joint Regard to the Size, Shape and Dispersion of Plots**, Agricultural Systems, No. 92, PP. 52-62.
30. Gun, S., 2003, **Legal State of Land Consolidation in Turkey and Problems in Implementation**, Pakistan Journal of Biological Sciences, Vol. 6, No. 15, PP. 1380-1383.
31. Hadley, C., Lindstrom, D., Tessemac, F. and Belachew, T., 2008, **Gender Bias in the Food Insecurity Experience of Ethiopian Adolescents**, Social Sciences and Medicine, No. 66, PP. 427-438.
32. Hadley, C. et al., 2011, **Household Capacities, Vulnerabilities and Food Insecurity: Shifts in Food Insecurity**, Social Sciences and Medicine, No. 73, PP. 1534-1542.
33. Harrigan, J., 2008, **Food Insecurity, Poverty and the Malawian Starter Pack: Fresh Start or False Start**, Food Policy, No. 33, PP. 237-249.
34. Heiskanen, E. et al., 2008, **Qualitative Research and Consumer Policy: Focus Group Discussions as a Form of Consumer Participation**, The Qualitative Report, Vol. 13, No. 3, PP. 152-172.
35. Hoko, Z, Hertle, J. (2005). **An evaluation of the sustainability of a rural water rehabilitation project in Zimbabwe**. Physics and Chemistry of the Earth, 31, 699-706.
36. Kashi, F, Heidari, Kh, 2004, **Iranian household food security survey, based on AHFSI Index**, Journal of Agricultural and Development Economics, Vol. XII, No. 48, pp. 155- 182. (*In Persian*)
37. Kashi, F, Heydari, kh. (2004). **Assessment of food security Iranian households by AHFSI. Index**. Agricultural Economics and Development, Year 12, No. 48, pp. 155-182. (*In Persian*)
38. Khezri, M., 2005, **Food Security and National Security, Agriculture and National Development Conference**. Research Institute of Agricultural Economics and Planning, Tehran. (*In Persian*)
39. Kimiyagar, M., Bazhan, M. and Samimi, B., 2004, **The Study of Agricultural Supply and Its Impact on the Pattern of Food Consumption in Iran**, Agricultural Economics and Development, Vol. 12, No. 48, PP. 167-182. (*In Persian*)
40. Knox, S. and Urkard, A., 2009, **Qualitative Research Interviews**, Psychotherapy Research, Vol. 19, No. 4/5.
41. Komives, S. R. et al., 2005, **Developing a Leadership Identity: A Grounded Theory**, Journal of College Student Development, Vol. 46, No. 6, PP. 593- 611.

42. Kruger, H., Steyn, T., Medlin, B. D. and Drevin, L., 2007, **An Empirical Assessment of Factors Impeding Effective Password Management**, North-West University, Potchefstroom.
43. Lerman, Z. and Climpoies, D., 2006, **Land Consolidation as a Factor for Successful Development of Agriculture in Molldova**, Paper presented at the 96th EAAE Seminar "Causes and Impacts of Agricultural Structures, Tanikon, Switzerland.
44. Lusho. S. and Papa, D., 1998, **Land Fragmentation and Consolidation in Albania**, Working Paper, No. 25, Land Tenure Center, University of Wisconsin–Madison.
45. Marshall, K., Rasman, G., Parsayyan, A. and Arabi, M., 2002, **Qualitative Research Methods**, 2nd Edition, Cultural Research office, Tehran., Translate by Parsayyan, A. and Arabi, M, (*In Persian*)
46. Marshall, K. and Rasmn, G., 2002, **Qualitative Research Methods**, 2nd Edition, Center of Cultural Research, Tehran.
47. Meier, P. S., 2007, **Mind-Mapping**, Social Research Update, School of Health and Related Researc, University of Sheffield.
48. Misselhorn, A. et al., 2012, **A Vision for Attaining Food Security**, Current Opinion in Environmental Sustainability, No. 4, PP. 7–17.
49. Motalebi. M., 2007, **Survey of Barriers in the Implementation of Cooperative Integration in Hamedan Province (View of Experts and Stakeholders)**, MS Thesis of Rural Development, University of Razi, Kermanshah. (*In Persian*)
50. Mousseau, F., 2005, **Impact of Market Access on Food Security–Application of Factor Analysis**, Food Security, Poverty, and Nutrition Policy Analysis, PP. 89 - 111.
51. Noleppa, S. et al., 2008, **Opportunities to Mainstream Land Consolidation in Rural Development Programmes of the European Union**. FAO Land Tenure Policy Series.
52. Okolo, D. A., 2006, **Agricultural Development and Food Security in sub-Saharan Africa (SSA): The Case of Nigeria**. Working Paper, No. 05, Policy Assistance Unit of the FAO Subregional Office for East and Southern Africa.
53. Onwuegbuzie, A. J., Dickinson, W. B., Leech, N. L. and Zoran, A. G., 2009, **A Qualitative Framework for Collecting and Analyzing Data in Focus Group Research**, International Journal of Qualitative Methods, Vol. 8, No. 3, PP. 1-21.
54. Owusu, V., Abdulai, A. and Abdul-Rahman, S., 2011, **Non Farm Work and Food Security among farm households in Northern Ghana**, Food Policy, No. 36, PP. 108–118.
55. Payab, M. et al., 2012, **Relationship between food insecurity and nutrition with some socioeconomic factors in mothers of children of school age, Ray's City in 2010**. Journal of Nutrition and Food Technology, Vol. 7, No. 1, PP. 75-84. (*In Persian*)
56. Ramesh, T, Dorosti motlagh. A. and Abdullahi, M., 2009, **Shiraz Prevalence of Household Food Insecurity and Related Factors - Economic, Social and Population in 2008**, Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology, Vol. 7, No. 4, PP. 53-64. (*In Persian*)
57. Renzaho. A. M. and Mellor, D., 2010, **Food Security Measurement in Cultural Pluralism: Missing the Point or Conceptual Misunderstanding**, Nutrition, No. 26, PP. 1–9.
58. Rivera. W. M. and Qamar, M. K., 2003, **Agricultural Extension, Rural Development and the Food Security Challenge**, Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Rome.
59. Rosin, Ch., 2012, **Food Security and the Justification of Productivism in New Zealand**, Journal of Rural Studies, No. 30, PP. 1-9.
60. Ruane, J. and Sonnino, A., 2011, **Agricultural Biotechnologies in Developing Countries and Their Possible Contribution to Food Security**, Journal of Biotechnology, No. 156, PP. 356– 363.
61. Rukn al-Din eftekhari. A., 2003, **Agricultural Development (Concepts, Principles, Methods, Research, Planning) in Land Consolidation and Agricultural**, Samt Publication, Tehran. (*In Persian*)
62. Sallaku, F. et al., 2010, **The Role of Land Consolidation Activities in the Sustainable Rural Development in Albania**, Research Journal of Agricultural Science, Vol. 42, No. 3., PP. 45-59.
63. Scherr, S. J., Wallace, C. and Buck, L., 2011, **Agricultural Innovation for Food Security and**

- Poverty Reduction in the 21st Century: Issues for Africa and the World**, Ecoagriculture Partners, Washington DC. *(In Persian)*
64. Sedara, K., Sophal, Ch. and Acharya, S., 2002, **Land, Rural Livelihoods and Food Security in Cambodia: A Perspective from Field Reconnaissance**, Working Paper 24, Cambodia Development Resource Institute. *(In Persian)*
65. Shabanali Fami, H., Alibeigi, A. H. and Sharifzadeh, A., 2005, **Approaches and Techniques Participatory in Agricultural Extension and Rural Development**, Issue 4, Institute of Rural Development. *(In Persian)*
66. Shahbaz Khan, A., Munir, A. H. and Jianxin, M., 2009, **Water Management and Crop Production for Food Security in China: A Review**, Agricultural Water Management, No. 96, PP. 349-360. *(In Persian)*
67. Shriar, A. J., 2002, **Food Security and Land Use Deforestation in Northern Guatemala**, Food Policy, No. 27, PP. 395-414. *(In Persian)*
68. Silverman, D. (Ed), 2004, **Qualitative Research: Theory, Method and Practice**, Thousand Oaks, Sage, CA. *(In Persian)*
69. Sontheimer, S., Callens, K. and Seiffert, B., 1999, **Conducting a PRA Training and Modifying PRA Tools to Your Needs, An Example From a Articipatory Household Food Security and Nutrition Project in Ethiopia**, Technical Backstopping to the Preparatory Phase of GCP/ETH/056/BEL.
70. Sutherland, A. J. et al., 1999, **Household Food Security in Semi-Arid Africa the Contribution of Participatory Adaptive Research and Development to Rural Livelihoods in Eastern Kenya**, Food Policy, No. 24, PP. 363-390.
71. Tirado, M. C. et al., 2010, **Addressing the Challenges of Climate Change and Biofuel Production for Food and Nutrition Security**, Food Research International, No. 43, PP. 1729-1744.
72. Todorova, S. A. and Lulcheva, D., 2005, **Economic and Social Effects of Land Fragment on Bulgarian Agriculture**, Journal of Central European Agriculture, Vol. 6, No. 4, PP. 555-562. *(In Persian)*
73. Trnka, J., 2002, **Land Fragmentation and Land Consolidation in Czech, Republic**, Documentation of The International Symposium.
74. Wehrmann, B., Klaus, M. and Straber, M., 2002, **Documentation of the International Symposium on Land Fragmentation and Land Consolidation in Central and Eastern European Countries**, Technical University Munich.
75. Wolfe, W. S. and Frongillo, E. A., 2001, **Building Household Food Security Measurement Tools from the Ground up**, Food and Nutrition Bulletin, Vol. 22, No. 1, PP. 5-12.
76. Zampetakis, L. A., Tsironis, L. and Moustakis, V., 2006, **Creativity Development in Engineering Education: The Case of Mind Mapping**, Journal of Management Development, Vol. 26, No. 4, PP. 370-380.